سرپناه انسان های نخستین

رهبرگنجه، تورج

تغییر زندگی بشر از صورت نخستین خود، شناخت محیط، ساخت ابزار، به خدمت گرفتن سنگ به عنوان ماده‏ای مستحکم برای ایجاد سرپناه و پیدایش معماری، تحول مهمی در حیات انسان ایجاد کرد. این امر به نوبه خود باعث پیدایش «دلمن‏ها» «من هیرها»، «تریلیت‏ها» و «استون‏هنج‏ها» در معماری روزگار باستان گردید.

«دلمن‏ها» تخته سنگهای مسطحی هستند که عموما روی چند پایه، یا «من هیر» قرار دارند. این بناها از دیر باز توجه باستان‏شناسان را به خود جلب کرده‏اند. برخی از آن به عنوان «میز سنگی» یاد کرده‏اند و بعضی آن را محل آسایش مردگان دانسته‏اند وعده‏ای حدس می‏زنند که این سنگها بقایای قربانگاه یا پرستشگاه باشند. دانشمندان «دلمن‏ها» را مربوط به عصر «نئولتیک» دانسته‏اند و معتقدند که دلمن‏ها تحول و ظهور انسان اولیه را به نمایش می‏گذارد. مقاله پژوهشی حاضر که ثمره کوششی چهار ساله است، عهده‏دار بررسی علمی این پدیده‏ها از جنبه باستان شناختی است.

واژه نئولتیک(1) ) neolithique( از ترکیب دو کلمه یونانی " neoس به معنی تازه و نو و " litoس یعنی «سنگی» گرفته شده است. در این عصر یخبندان جای خود را به گرما و رطوبت می‏دهد. هوا برای زندگی انسان آماده‏تر و مساعدتر می‏گردد. اروپا شکل فعلی خود را می‏یابد. جنوب اروپا بخصوص ایتالیا و فرانسه دارای دره‏های سرسبز می‏شوند. جنگل‏ها و کوهها را می‏پوشاند. با شروع زندگی دسته جمعی، دهکده‏ها ظهور می‏کنند. بین دهکده‏ها، مزارع جهت کشت و زرع ساخته می‏شود. جاده و ارابه [هر چند بزرگ و خشن[ ساخته و هنر قایقرانی در رودخانه با یخ‏های آب شده شکل می‏گیرد.

معماری طبیعی غارها دیگر انسانی را که به هوای آزاد و آفتاب خو کرده، اقناع نمی‏کند. خانه‏های مصنوعی و هنر معماری ظهور می‏کند. معماری و ساختمان نیز افزونتر می‏گردد. هر سه این کاراکتر معماری را ادامه می‏دهند [یعنی همان سبک آبستره] این مطلب یکی از حقایق بسیار مهم تاریخ هنر بشر ا ست. جرقه‏ها و نخستین بارقه‏های آغازین تمدن بشری با استفاده بشر از سنگ آغاز شد و در طی قرون و اعصار، بهره‏ها برد. پس از زندگی در جنگل و غارنشینی که پناهگاه‏های اولیه طبیعی انسان بوده و در آن هنگام که به دنبال صید شکار و گردآوری غذا، تغییر مکان داد، امکان زیست بهتر او را فراهم ساخت. ماندگاری او در اینگونه اماکن، نیازمند سکونتگاههایی بود که امنیت زندگی او را میسر می‏ساخت. بر سر تپه‏ها و پهن دشت‏ها، از تخته سنگهای جسیم و بزرگ و با روی هم قرار دادن یا پهلوی هم گذاشتن آنها، پناهگاه ساخت. اندکی بعد سرپوشی [تخته سنگ دلمن(2)] از سنگ بر آن نهاد که امروزه در دنیای باستان از آن بنام دلمن ) Dolmen( یاد می‏شود.

دلمن‏ها تخته‏سنگهای مسطحی هستند که عموماً روی سه یا چهار من هیر) menhir( قرار دارند و به‏صورت «میز سنگی» درآمده‏اند. برخی از آن به‏عنوان میز سنگی و محل آسایش مردگان یاد کرده‏اند. برپاره‏ای از دلمن‏ها، نقوشی مانند خورشید، مثلث و غیره حک شده است. بعضی حدس می‏زنند این سنگها، بقایای قربانگاه یا پرستشگاه است، شاید هم ترتیب قرارگرفتن این سنگهای پهن و بزرگ در ساختمان‏هایی که باقیمانده، مربوط به امور نجومی و فلکی باشد.

پیدایش معماری دلمن‏ها در عصر نئولتیک، تحول و ظهور انقلاب انسان اولیه را به‏نمایش می‏گذارد. هرچند این انقلاب در تمامی یا بخش اعظمی از گیتی همزمان صورت نگرفته، اما تحول معماری موجب پیدایش توان و قدرت انسان و برتری و غلبه او بر پیکره طبیعت را فراهم ساخت. بشر گذشته است از صید ماهی و گردآوری غذا برداشت و به استفاده از زمین و (به‏اصطلاح) به هنرنمایی پرداخت. با کشت حبوبات در غذای خود، تنوعی ایجاد کرد. از راه کاشتن کنف و استفاده از الیاف گیاهی برای خود، لباس تهیه کرد. اسلحه‏های سنگی جای خود را به تبرهای سنگی صیقلی و تبرهای با دسته‏های چوبی و غلافی از شاخ گوزن داد. گل رس به‏دست توانمندش شکل یافت، از غار بیرون آمد و کلبه‏هایی از گل و شاخه‏های درختان ساخت و گرداگرد آن‏را خندق یا حصاری نرده مانند کشید. به قابلیت و استحکام سنگ بیش از پیش پی برد. از کنار هم قراردادن دو تکه سنگ با سرپوش برگ و شاخه‏های درختان، خانه ساخت وبدین‏ترتیب تحولی نو در ساختمان و بنایش ایجاد کرد. بی‏گمان بناهایی که امروزه از آن به عنوان «دلمن» یاد می‏شود، باقی‏مانده عصر نئولتیک است. این عصر نقطه آغازین حیات دلمن توسط بشر به‏حساب می‏آید. از مجموع کلبه‏های خود، دهکده‏ها بنا کرد. در پیرامون آن از تیرهای چوبی به بلندی پنج تا شش متر که با سنگ یا آتش تیز شده بودند در زمین‏های باتلاقی فرو کرد و بر فراز آن سکویی ایجاد کرد. کلبه‏ای ساخت. این خانه‏ها به‏نام خانه‏های دریاچه‏ای (3) یا مردابی k معروفند. تعداد زیادی از این نمونه‏ها امروزه در سرزمین سوئیس درکنار دریاچه «زوریخ» کشف شده است. بقایای شهرهای دریاچه‏ای را امروزه در فرانسه، ایتالیا، انگلستان، روسیه ،آمریکای شمالی وهندوستان نیز یافته‏اند. نمونه‏هایی از این شیوه معماری امروزه در «بورنئو» و «سوماترا» و گینه جدید، یافت شده است. در گران پرسین ) Grand Perssian( آثار تراشه وسیعی دیده شده که اختصاص به ساختن تیغه‏های بزرگ سنگ چخماخ داشته است لذا ابزار سنگی از کاربری‏های اولیه خارج و وارد مرحله‏ای پیشرفته‏تری شد. از سنگ در معماری- ساخت بت و ابزار زندگی، مقابر، معابد، اهرام- بهره جست، که بعدها در معماری دلمن‏ها و در کنار استون(4) هنج و تریلیت(5) و من‏هیر، شکل متکامل‏تری یافت و برجسته‏ترین ومشهورترین بناهای تاریخ حیات آدمی ظهور کرد. شکل‏گیری این بنا که به تصور برخی از باستان‏شناسان به‏عنوان قبور عصر مگالی‏تیک» ) megalithique( طبقه‏بندی شده، در اصل بر حجره‏های آرامگاه با دیوارهای سنگی و سقفی از سنگهای عظیم‏الجثه و عریان که به‏عنوان سنگچین قائم نیز خوانده، ظاهر شد که بعدها معنا و مفاهیمی ویژه یافت. عصر باشکوه نئولتیک در آغاز هزاره ششم قبل از میلاد در خاور نزدیک و نیز «هزاره پنجم» تقریباً در سراسردنیا منتشر شد و این دوره‏ای است که باستان‏شناسان در مزوپوتامیا mezopotamiaبین‏النهرین) به تمدن جارمو ) Jarmo( در مصر باستان (بادار Badari ( و (آمارتی Amarti) معروف شد.

و سرانجام در هزاره چهارم پیش از میلاد منشاء اکتشافات قابل توجهی گردید. و در طی این مدت علاوه بر تهیه و استفاده از دست‏افزار به مراتب بهتر و کاراتر از قبل، (پالئولتیک) با تغییراتی که بدان بخشید در نحوه عملکرد آنها نیز تغییراتی به وجود آورد، که برخی از این ابزارآلات وی جنبه تقریباً تخصصی‏تری بخود گرفت. از جمله دسته هاون و سنگساب، را می‏توان نام برد.

لذا درمی‏یابیم که بشر اولیه با شروع انقلاب در عصر نئولتیک توانست اجتماعات ادوار پالئولتیک و مزئولتیک را از بن‏بست نجات دهد و این تحول در عصر نئولتیک به وقوع پیوست. و اینجاست که اختلاف میان تجهیزات مردم این عصر با ادوار قبل، آشکارتر شد. هرچند از مذهب این‏دوره اطلاعات چندانی در دسترس باستانشناسان نیست دلمن‏ها و من‏هیرها، از روی بناهای سنگی بزرگی که به نام مگالتیک معروف است و امروزه در اغلب دنیا از آفریقای شمالی- اروپای غربی. غرب آسیا تا هند و ژاپن می‏توان مشاهده کرد. اما اینکه این بناها برای گورستان‏ها یا جهت انجام مراسم مذهبی به کار می‏رفته، گذشته از این در این دوره به بناهایی برمی‏خوریم که به نام دلمن و من‏هیر معروف هستند که در کارناک واقع در برتانی ( Bertani) فرانسه یافت شده‏اند. ویژگی معماری دلمن‏ها این است که با من‏هیر حیات می‏یابد. بی‏شک معماری عصر نئولتیک با دلمن‏ها- من‏هیرها و تریلیت‏ها و استون هنج‏ها- شکل یافت. یعنی من‏هیرها به صورت سنگهای قائم برروی زمین استوار گشتند، که با دو من‏هیر قائم شکل، تخته سنگ مسطح برروی آن قرارگرفت و تشکیل بنای تریلیت « Trilithique» دادند. برپاره‏ای از دلمن‏ها نقوشی مانند خورشید-مثلث حک شده که شاید نشان از باورهای مذهبی انسان نخستین در آرامگون‏های پیش از تاریخ باشد.

دمولأَن ) Demolgan(ترتیب قراردادن این سنگهای بزرگ را به عنوان پرستشگاه می‏داند. و برخی نیز این سنگهای عظیم بیادگار مانده را به امور نجومی و فلکی می‏پندارند و اشنایدر ) Schneider( نیز آن را با تقویم، ارتباط داده است. برخی از محققین نیز براین عقیده‏اند که این سنگها بخصوص آن تعداد سنگهای مکشوفه در برتانی «فرانسه» نشانه‏هایی از اعتقاد انسان عصر نئولتیک به مذهب‏اند.

البرماله وژول ایزاک در کتاب تاریخ «ملل شرق و یونان» در این‏باره می‏نویسند... انسان از ازمنه ماقبل تاریخ در اوانی که عهد سنگ صیقلی را می‏پیمود، آثاری برافراشته که تا امروز برپا و عبارت است از سنگهایی که نتراشیده و بی‏ترتیب جابه‏جا نصب گردیده و چون در خاک بروتانی ، به وفور وجود دارد، به زبان اهل آن محل به «من‏هیرو دلمن» مشهور است. وی از کاربرد آن اطلاعات قابل توجهی ارایه نداده و می‏گوید: معلوم نیست که بشر چه استفاده‏ای از آن نموده است. با آنکه از وجود دلمن‏ها در بخش وسیعی از دنیای باستان ذکری به میان آمده، ولی نکته قابل توجه نحوه شکل‏گیری، فرم و فضای آن است.

با بررسی دقیق دلمن‏ها در مناطق باستانی دنیا، به این نتیجه می‏رسیم که آب و هوا و شرایط جغرافیایی در شکل‏گیری و فرم این نوع بناها، تأثیرگذار بوده‏است. دلمن‏های مکشوفه در سرزمین روسیه به دلیل سردسیربودن و نیز انبوه جنگل‏ها بصورت کلبه‏های انسان‏های نخستین و از فرم متناسب‏تری برخوردار بوده‏اند، معماری دلمن دراین مناطق دارای ورودی مدور که ارتفاع بعضی از آن اندازه نیم‏متر بوده، البته برخی علت ساخت این ورودی مدور را جهت تابش نور خورشید ذکر کرده‏اند. دلمن‏های روسیه اغلب درمیان انبوه جنگل‏های مناطق novorossiysk- Gelendjik. Sochi، tuapseقرار دارند که شکل ظاهری این بناها از ترکیب تریلیت (سه سنگی) تا حدودی خارج و فرم کلبه‏ای پیداکرده‏اند. به طوری که دلمن‏های روی من هیرها، از یک تخته سنگ مسطح بزرگ که سقف بنا را بکلی پوشانده، شکل یافته‏است.

اما «دلمن»های ناحیه Kahakdongو Kwangmyongنزدیک سئول به صورت میزهای خرپشته‏ای و عموما در یک ردیف قرارگرفته‏اند.

در «کاهک دونگ» تقریبا 9عدد لمن به صورت خرپشته‏ای که در یک ردیف قرار گرفته‏اند، دیده می‏شود. با وجود اینکه منطقه‏ای پوشیده از درخت است، براین باورند که این سنگهای جسیم و بی‏شکل از مناطق دیگر «کره» به آنجا آورده‏شده‏اند. اندازه بعضی از این سنگهای عظیم حدود 60\*6/2\*9/2 سانتی‏متر است. این دلمن‏ها همانطور که پیشتر اشاره شد درمیان انبوهی از درختان جنگلی قرارگرفته‏اند. تعداد 8 دلمن دیگر به صورت پراکنده درگوشه‏های دیگر جنگل یافت‏شده که متأسفانه به دلیل عدم توجه، بخشی از آنها نابود شده‏اند.

براستی این آرامگون‏ها در عصر مگالتیگ، مفاهیم مذهبی داشته و باید آن را در اعتقادات مذهبی‏جست جوکرد0

دلمن‏های مکشوفه در «برزیل» BRAZILازنظر شکل ظاهری بزرگترین دلمن‏های دنیا محسوب شده‏اند. به طوری که وزن 3 دلمن بیش از یکصد مترمربع فضا اشغال کرده و به صورت چهارگوشه، سطح آنها از سنگهای بزرگ تشکیل شده‏است.

عمده دلمن‏های مکشوفه در برزیل توسط باستان‏شناسانی چون J. cardoso، Arthur francoاز Portoalegveدراین کشور پیدا شده‏است. ساختمان و فرم این معماری نشان می‏دهند که ساکنان اولیه اروپایی و آمریکایی دارای اعتقادات مذهبی خاص بوده‏اند. به طور مشخص درجنوب برزیل مکانهای باستانی متعدد یافت شده که دارای قبور عصر مگالتیگ ) megalithique( هستند که ساختمان دلمن‏های آن بصورت فرم اولیه همچنان باقی مانده‏اند. در برزیل اغلب دلمن‏ها به وسیله سه یا چهار سنگ بزرگ محافظت شده‏اند. امروزه دلمن‏ها درکنار من‏هیرها و تریلیت‏ها به عنوان منابع مورد استناد پژوهشگران و باستانشناسان از اهمیت خاص برخوردار شده‏است.

باستان‏شناسان امروزه از آثار مکشوفه در بیل‏بائو ) BILBao( و نیز اسپانیا و از آثار بدست‏آمده در قبور مکشوفه Castlesنزدیک- Monastic- دلمن‏های منطقه " AbkhZiaس و نیز آثار بدست آمده در برتونی، سالیزبوری و کارناک و غرب آسیا و شرق اروپا به عنوان بناهای مذهبی یاد کرده‏اند. تجمع این آرامگورهای عصر مگالتیک را به عنوان نشان گورها نیز دانسته‏اند.

دلمن‏ها درعین پیچیدگی ساختمان (ازنظر نوع شکل‏گیری) ساده‏ترین شکل گورهای عصر سنگی محسوب می‏شوند.

گوردن چایله درکتاب «درآمدی بر باستان‏شناسی» گورهای سنگی در دانمارک را قدیمتر از دیگر نقاط ذکر کرده‏است. با افول مذهب در دوره ماگدالنی " magdalenienس و گسترش مجدد آن درعصر نوپای نئولتیک ) neolithique( از روی بناهای سنگی بزرگ به آثار دیگر برمی‏خوریم که به من هیر ) men hir( مشهوراند.

من هیرها به سنگهای عظیم و جسیمی اطلاق می‏شود که ستون مانند و بی‏شکل بر سر پای ایستاده که کاربرد «تنها»ی آن بر باستانشناسان مشخص نشده است. و تنهادر کنار دلمن‏هاو تریلیت‏ها شکل و فرم معماری پیدا کرده است.

همانطور که اشاره شد در مصر نئولتیک مذهب اهمیت خاصی داشت، شاید از آن، به عنوان نشان گورها یا جهت مراسم مذهبی کاربری داشته است. در کارناک فرانسه، واقع در برتانی نمونه‏های زیادی از آن به چشم می‏خورد که لفظ امروزه دلمن و من هیر از آن گرفته شده است.

امروزه من هیرای بسیاری در مناطق جهان از جمله کارناک- سالیسبوری ونیز تمام اروپا و آفریقای شمالی و آسیا و حتی هندوستان- چین و ژاپن یافت شده است. من هیرها دارای فرم و اشکال متفاوت و در عین حال جالبی بودند.

این سنگها گاه دارای وزنی دو یا سه تن بوده که انسان نخستین آن را به صورت ستونی بی‏شکل برافراشت . باستانشناسان و محققان پیکره سه معماری پیشین را در من هیرها جست و جو می‏کنند.

معماری دلمن‏ها من هیرها، تریلیت‏ها و استون هنج‏ها در روزگار گذشته، جمله معروف و مشهور ناپلئون قدس سره1798 میلادی[ در برابر هرم خئوپس « cheops» که گفت: ... کاری شگرف در توان بزرگ زادگان» را در اذهان باستانشناسان تداعی می‏سازد.

الیات اسمیت ( ELLIOTSMITH) در مهاجرت نخستین تمدن می‏گوید:

تمدن نوسنگی ویژه‏ای در سراسر جهان گسترده شده بود که نمی‏توان هرگز گمان برد چنین تمدنی در جاهای مختلف دنیا جداگانه پدیدار شده باشد. این تمدن که در سراسر زمین‏های مسکونی‏نژاد از سواحل مدیترانه و آن سوی هند کرانه‏های اقیانوس آرام و چین، مکزیک و پرو گسترده شده است. وی این تمدن با ویژگی خاص آنان را تمدن آفتاب سنگی می‏نامد. برخی از ویژگی این تمدن را، ختنه کردن، بستری کردن پدر هنگام به جهان درآمدن نوزاد، بر پا داشتن ساختمان‏هایی از سنگهای بزرگ به نام مگالیت به شکل «استون هنج» ذکر کرده است. نورمن لوکیر . ( horman lockyer)می‏گوید: پرستشگاه‏های مصر، آشور، بابل و مشرق ، رو به یک سو دارند. بیشتر مگالیت‏ها با گران سنگ دایره وار چیده شده، که قربانگاه آسمان در پکن نیز رو به جایگاه بردمیدن خورشید در میان زمستان دارند. به روزگار امپراطوری «چین‏ها» که تا چندین سال پیش بر پا بود یکی از مهمترین وظیفه‏های امپراطوری همانا قربانی کردن و دعا کردن در این پرستشگاه‏ها بوده است. اما این بناهای سنگی در نقاط دنیا نمی‏توانسته قربانگاه باشد؟ چرا که قربانگاه به جایگاه خاصی نیاز داشته است. در هیچ یک از حفاری‏های باستانشناسی، چنین جایگاهی کشف نشده است. هر چند که منشأ تمام این بناها را در اعتقادات مذهبی مردم آن روزگار باید دانست. نکته‏ای که قابل ذکر است این است که پرستشگاه‏های یونانی و استون هنج‏ها به سمت بردمیدن خورشید در میان تابستان تمایل دارند.

واژه تریلیت Trylitoeبه معنی سه سنگی است که از دو دلمن و من هیر تشکیل شده است. وقتی دو من هیر به صورت قائم و بر روی آن یک تخته سنگی دلمن شکل قرار گرفت، تریلیت فرم پیدا کرد. تریلیت دارای دو پایه سنگی افقی (من هیرو یک دلمن) تخته سنگ مسطح است.

بناهای سنگی مشهور به تریلیت‏ها که امروزه در بخش اعظم اروپای غربی و برخی نواحی هندوستان، چین و دیگر نقاط مشاهده شده، با نمونه‏ای از خانه‏های سنگی آدمیان در گذشته، قابل مقایسه است که مورد استفاده قرار گرفته است. با این تفاوت که در خانه‏های آدمیان علاوه بر استفاده از سه تخته سنگ بزرگ، بخش عقب منازل را از پوشش‏های گیاهی، چوبی و سنگ می‏پوشاندند.

این گونه خانه‏ها آن طور که به نظر می‏آید دارای یک تخته سنگ جهت مسدود کردن درب منازل، به کار می‏رفته تا از مزاحمت حیوانات در امان باشد. این بنا (کلبه انسان نخستین) که از ترکیب یک دلمن و سه من‏هیر تشکیل شده، نخستین مرحله پیدایش دلمن‏ها ، من‏هیرها و تریلیت‏ها در مناطق مختلف دنیا را سبب گردید.

تریلیت یا تریلتیون " Trilithonمکشوفه در جزیره تونگهای پولینزی باختری به صورت دروازه بزرگی از سنگهای یکپارچه ساخته شده است. فرم دیگری از معماری بشر پیش از تاریخ محسوب می‏گردد. ورودی این دهکده در پولینزی، نمای باشکوهی از معماری انسان عصر نئولتیک را به نمایش گذاشته است.

در این نوع پوشش معماری، تناسب بین پایه‏ها و پوشش روی آن بیشتر به خاطر حس وزن و سنگینی آن است. برافراشتن این سنگهای عظیم و با شکوه، نشان از دانش فنی مهندسی مردم عصر نئولتیک در میان مردم پولینزی دارد. برخی محققان امروزه براین باورند که تریلیت‏ها محصول تلاش انسان قرن بیستم است، که باور این موضوع جای تأمل دارد.

استون هنج‏ها) Stonehenge( نیز دارای قدمتی 3700 ساله‏اند که در حوالی بریتانیا و فرانسه به وفور یافت می‏شوند و معماری آن متعلق به 1700 سال پیش از میلاد است. طول این سنگها سه متر بوده و با قرار گرفتن دو استون هنج در کنار هم و یک پایه (تخته سنگ) مسطح بر روی آن، تریلیت به زیباترین فرم خود دست یافت. چرا که «استون هنج» به صورت قائم برخلاف من هیرها از فرم و شکل بهتری برخوردار است. وزن استون هنج‏ها به چهارتن می‏رسد.

دارک " Darkس استون هنج‏ها را یکی از بهترین مثال‏ها برای نشان دادن دشواری بازشناسی مفاهیم باستان‏شناسی معرفی می‏کند.

معماری و فرم استون هنج‏ها یکی از بحث‏انگیزترین مباحث در میان من هیر وردلمن (تریلیت‏ها) است.

در حالی که عده‏ای دیگر براین باورند که سنگهای بنا شده، در حقیقت نوعی تقویم اخترشناسی است دنتون کورکر مارشال) Denton. k. k. marshal( که در زمینه معماری صاحب‏نظر است در انگلستان عهده‏دار مرمت این بناهای عظیم باستانی به منظور جلب سیاحان و گردشگران شده است. در سال 1920 میلادی استخوان‏هایی از انسان در این مجموعه بناهای استون هنجی در انگلستان کشف گردید که جسد متعلق به انسانی بوده که دریکصد سال پیش از میلاد مسیح می‏زیسته است.

امروزه از استون هنج‏ها در کنار من‏هیر وردلمن‏ها و تریلیت‏ها به عنوان یکی از آثار شگفت‏انگیز معماری باستان یاد می‏کنند، که در جای جای این کره خاکی از سالیز بوری در انگلستان گرفته تا کارناک فرانسه، برزیل، چین، آفریقا و آسیا تا اروپای شرقی ادامه دارد. وجه تمایز استون هنج‏ها نسبت به بناهای همردیف، نظم و انضباط و ترکیب ویژه و نیز اندازه بزرگی آن است که بعضاً به حدود چهار متر و به وزن ده‏ها تن می‏رسند.

قطعات سنگی بکار رفته در معماری دلمن‏ها و استون هنج‏ها در جزیره ایسلند در " pohnpeiسبین ده تا سی تن وزن داشته که به صورت قطعات «بلوک» سنگی زیبا کار گذاشته شده به دست آمده است. در ایتالیا، قبور دوره مگالتیک " megalithicس به تعداد زیادی در دشت و دامنه‏ها به چشم می‏خورد که عظمت این سنگها انسان را به تحسین و شگفتی وامی‏دارد. سنگهای ایستاده (دلمن) در مناطق Angheluو fassaبه صورت افراشته به سبک قبور عصر مگالینیک مشاهده شده که پیرامون آن سنگهای عظیم بر روی سنگهای دیگر به صورت مدور (استون هنج و تریلیت‏ها) چیده شده‏اند. شاید به این طریق می‏خواسته‏اند محدوده قبر را مشخص سازند.

هرچند این شیوه مقابر مگالینیک در کشورهایی چون انگلستان، فرانسه، دانمارک، ایتالیا، ایرلند، اسکاتلند و ویلز، بی‏شباهت نیست، اما نوع و شکل سنگها با توجه به سنگهای مناطق دیگر، تفاوت زیادی دارد. مثلا سنگهای منطقه شوروی که دلمن‏ها و تریلیت و استون هنج‏های آن، در میان انبوه جنگل‏های سرد و پربرف و باران منطقه ساخته شده، از شکل و ترکیب فرم مناسبی ساخته شده است. سنگهای منطقه ایتالیا نیز کمی ترد و شکننده‏تر به نظر می‏آیند. در حالی که سنگهای مناطق کارناک فرانسه و سالیز بوری انگلستان از استحکام و انضباط بیشتری برخوردارند.

باستان شناسان و محققان برجسته دنیا تاکنون نتوانسته‏اند از نظرات دقیقی درباره علل پیدایش و محل نخستین آثار استون هنج‏ها ارایه دهند. برخی نیز براین باورند که در مصر استون‏هنج‏ها که درصد مایلی غرب لندن در انگلیس قرار دارند، به عنوان محل دفن روسای قبیله و نیز انجام مراسم و شعایر مورد استفاده قرار می‏گرفت. به طوری که هرسال در ماه ژوئن هزاران نفر از گردشگران که نمادی از خورشیدپرستان عصر جدیدند به این مکان‏ها می‏آیند.

در کنار این تصاویر، اعتقاد بر کاربرد نجومی آن ذهن بسیاری از دانشمندان را به خود مشغول داشته است. آخرین سلسله بناهای دایره‏ای شکل از استون هنج‏ها که بین 3000 تا 1600 سال پیش از میلاد ساخته شده است بهترین مکان برای دیدن طولانی‏ترین روز نیمکره در اولین روز تابستان است. بسیاری از کارشناسان معتقدند دلیل دریک ردیف قرارگرفتن این بناها با خورشید این بوده که سازندگان و خالقان آن خورشیدپرست بوده‏اند.

معماری استون هنج‏ها که از ترکیب من‏هیر و دلمن و به صورت مدور فرم یافته، فرم ظاهری آن باعث شده، برخی آن را در زمینه نجوم و بعضی از آن به عنوان قبور بزرگان قبایل یا مرکز پرستش و قربانی برای خدایان یاد کنند.

عادت به بنا کردن مقبره‏های بزرگ برای دفن کردن چندین نسل پی‏درپی به کار می‏رفت. دقت و تزیینی که در ساختمان مقابر صورت می‏گرفت و نیز دفن اشیاء، حاکی از آن است که در ناحیه مدیترانه برخلاف آنچه راجع به منطقه اصلی آسیای جنوب غربی ذکر شد، پرستش نیاکان رواج داشت. در حوزه مدیترانه، دوتمدن شکل گرفت: یکی در جزیره ایبری و دیگری در جزایر اژه.

مهاجران نوسنگی که از شبیه جزیره ایبری به سمت شمال روانه شدند، در جزایر بریتانیا سکنی گزیدند و هنوز علایم صوری آن در بیشترین قسمت این جزایر برجای مانده است. برخی از این سکنه‏ها تا سواحل اقیانوس اطلس را دنبال کرده و تا نواحی اسکاندیناوی پیش رفتند و در سرزمین‏های فرانسه، هلند و دانمارک امروزی ماندگار شدند و گروهی نیز به داخل خاک اروپا نفوذ کردند و از طریق شرق اروپا و رودخانه دانوب وارد اروپای مرکزی شدند. لذا ارتباط بین شبه‏جزیره ایبری و جزایر بریتانیا در سراسر عصر مفرغ پایدار ماند. در واقع چنین برمی‏آید که ایبری مرکز پیدایش تمدن‏های مختلط مگالئیک (خرسنگی) بود که هرچند دوره‏ای کوتاه در اروپا رواج یافت و تمدن «مگال یا تمدن خرسنگی مظهر و نماینده انتشار یک نوع آیین مذهبی در خطه اروپای غربی شد.

در پولنیزی شرقی، هر قبیله‏ای بناهای مذهبی خود را از عظیم‏ترین تخته سنگهای موجود بنا می‏کرد تا به عنوان مظهری از نیروی مردان قبیله‏ای برجای بماند. لذا چنین تصور می‏رود که ساختمان عظیم معماری دلمن‏ها، تریلیت‏ها، من هیر و استون‏هنج‏ها نیز متأثر از آن تصورات باشد. درباره تمدن خرسنگی اروپا، تنبع بسیار صورت گرفته است. به طور کلی باید گفت که دو نوع ساختمان مگالتیک در حوزه مدیترانه و نواحی مجاور آن معمول بود. در کناره شرقی دریای مدیترانه تخته سنگهای بزرگ برای ساختن استحکامات به کار می‏رفت. استعمال قطعات بزرگ سنگ صرفاً به این دلیل بوده که در مواقع عملیات از هم جدا کردن آن به آسانی صورت پذیرد. در سواحل اقیانوس اطلس، سنگهای بستر سختی برای برپا ساختن من‏هیرها و دلمن‏ها به شکل دایره‏ای یا در امتداد مستقیم یکدیگر به کار گرفته شد. من‏هیرهای این مناطق، سنگهای بزرگ درازی که به صورت طبیعی و دست‏نخورده، به حالت عمودی بر زمین نصب گردیدند، که بعضی از آنها وزنی معادل سی الی چهل تن داشته است. مسلماً حمل کردن و بر پاداشتن آن مستلزم فراست و مهارت و دانش مردم آن عصر در فنون مهندسی بوده است. اما دلمن‏ها در این مناطق به فرم کوچکتر شبیه ساختمان مسقف بوده که از چند قطعه سنگ به عنوان پایه و یک تخته سنگ بزرگ مسطح به عنوان سقف قدس سره‏دلمن[ تشکیل شدند.

در ماداگاسکار که برپاساختن من‏هیرها و دلمن‏ها حتی تا سال1928 میلادی معمول بوده، هر کدام به منظوری کاملاً متفاوت با آنچه تاکنون ذکر شد، ساخته شده‏اند.

دلمن‏های ماداگاسکار به عنوان لوحه‏هایی برای ذکر نذرها و پیش‏کش‏هایی که می‏بایستی در راه پرستش نیاکان نثار شود به کار می‏رفت. ولی در تمدن خرسنگی اروپا، من هیرها نه به منظور مقبره فردی، بلکه به خاطر برقرار داشتن یادبود شخصیتی برجسته یا بنایی بزرگ که مورد تکریم و ستایش افراد جامعه بود. به عبارت دیگر به عنوان نوعی مقبره سرباز گمنام بر فراز مکانی برجسته و مشرف به اطراف ساخته می‏شد. به همان شیوه که زیگورات‏ها در دشتی وسیع و باز، جهت نیایش و پرستش برپا گردیدند. از بناهای سنگی عصر (تمدن خرسنگی) استون هنج‏ها بهترین نمونه شکل‏گیری آن به حساب می‏آیند. استون هنج‏های مکشوفه در انگلستان به دقت تام روبه سمت معینی قرارگرفته‏اند و ظاهراً وجود آنها معلول نوعی خاص از پرستش خورشید بوده است. گرچه تمدن خرسنگی در اواخر عصر نوسنگی، اروپای غربی را فراگرفت. برافراشتن بناهای خرسنگی در سراسر عصر مفرغ دامنه وسیعی از جهان را پوشاند، که در دوره ظهور و انتشار اقوام سلت‏ها ) celts( یعنی قرون سوم و چهارم قبل از میلاد نیز انواع آن ساختمان ها جهت امور مذهبی به کار گرفته شدند.

نتیجه‏گیری:

از آنچه که گفته شد می‏توان چنین استنباط کرد که دلمن‏ها تخته سنگهای مسطح بودند که روی دو یا سه و گاه بر روی چهار من‏هیر (تخته‏سنگهای قائم) قرارگرفته و به صورت میزی سنگی درآمده‏اند. برپاره‏ای از این دلمن‏ها در میان قبایل ساکن جزایر پولینزی و اروپا نقوشی (مانند خورشید- مثلث) حک شده است. بعضی حدس می‏زنند که این سنگها بقایای قربانگاه یا نوعی پرستشگاه عصر نئولتیک باشد. و نیز ممکن است ترتیب قراردادن این نوع سنگهای بزرگ در ساختمان‏هایی که به یادگار مانده‏اند مربوط به امور نجومی یا فلکی باشند. بعضی‏ها، دلمن‏ها را مبدأ معماری منحنی‏الخط (مشرق و روم) باستان می‏دانند. بن اشتناین ) Benstenten( دلمنها را محل قرارگرفتن قبور میداند. تریلیتهای مکشوفه در اروپا، هند، ژاپن، برزیل، دانمارک، روسیه، اسکاتلند، انگلستان، ایتالیا و ایسلند با توجه به نوع سنگها و موقعیت جغرافیایی، اشکال متفاوتی یافته‏اند.

تریلیتون‏های جزایر تونگای پولینزی باختری از سنگهای بزرگ و یکپارچه به عنوان دروازه ورودی ساخته شده و حکایت از شهرک‏های عصر نوسنگی دارند. به عبارتی می‏توان اینگونه معماری را خاص شاهک‏نشین‏ها و نیز رواج دهکده‏های عصر نئولتیک دانست.

بحث این معماری گسترده و پر رمز و راز که منشأ جهان شمولی دارد در بخش وسیعی از دنیای باستان پراکنده شده است. اطلاق واژه‏هایی چون آرامگورها، محل دفن اجساد پایگاه مذهبی مردان عصر نئولتیک، قدرت و شکوه خدایان، محل آسایش و آرامیدن مردگان، تختگاه ارواح و... بیانگر این است که باستانشناسان و محققان باید بدان توجه خاص داشته باشند تا نکات تاریک تاریخ این معماری را مشخص سازند. باستان‏شناسان اصرار دارند کاربرد بناهای سنگی مگالتیک را به عنوان مراسم مذهبی بیان دارند. از «استون هنج‏ها» به عنوان پرستشگاه اقوام «بدوی» در اروپا نام رفته است. در بیشتر مکان‏هایی که این نوع معماری‏ها یافت شده‏اند نشان از وجود سنگهای مورد نیاز است. اما مراکزی چون سالیزبوری و کارناک، فاقد سنگهای مورد نیاز بوده و لذا این سنگهای عظیم‏الجثه از مناطق دور بدانجا آورده شده‏اند تا مردگان در آرامگورهایشان به دور از نفوذ ارواح شیطانی بیارامند. نکته قابل ذکر این است که بشر این دوره با خلق این گونه آثار دارای اهداف خاصی بوده است.

از آنجا که کاوش وتحقیقات باستان‏شناختی می‏تواند نکات تاریک بیشتری را مشخص سازد، امروزه برخی از محققین سعی دارند تا به دلیل عظمت این سنگها و جابه‏جایی آنها، آن را به انسان قرن بیستم منتسب کنند، که بی‏شک این گونه نظرات، هیچگاه ارزش علمی نخواهند داشت.

پی‏نوشت‏ها:

neolithique- دوره نئولتیک همان دوره نوسنگی بوده، که بشر پیش از تاریخ با استفاده از سنگ به بهترین فرم و اشکال موجود از آن استفاده کرد و تحول و انقلابی نوین در روزگار خویش فراهم ساخت.

Dolmens- تخته سنگهای مسطح و عظیمی هستند که روی دو یا سه و گاه چهار سنگ عمودی شکل (من هیر) قرار و به صورت میز سنگی درآمده‏اند.

menhir- ستون‏های سنگی که به صورت قائم بر روی زمین استوار شده‏اند، گاه بلندی این سنگها متفاوت و به سه متر می‏رسند.

stonhenge- ستون‏های یکپارچه به وزن چهار تن و به طول سه متر که به صورت قائم با قدمت 3700 ساله در مناطق مختلف دنیا از جمله کارناک فرانسه و سالیسبوری انگلستان کشف شده‏اند.

trilithique- متکامل‏ترین مرحله معماری پیش از تاریخ که از ترکیب دلمن و من هیر تشکیل شده و به عبارتی معماری سه سنگی را شامل شده است.

mezopotamia- بین‏النهرین کنونی (در عراق امروزی) را گویند.

منابع:

1- ممتحن، حسینعلی- کلیات تاریخ عمومی، ج دوم سال 1370، انتشارات دانشگاه تهران.

2- بهمنش، احمد. تاریخ ملل قدیم آسیای غربی، ج چهارم 1349، انتشارات دانشگاه تهران.

3- یکتایی، مجید. تاریخ تمدن و فرهنگ، انتشارات گوتنبرگ.

4- البرماله، ایزاک. تاریخ ملل شرق و یونان، ترجمه عبدالحسین هژیر، انتشارات ابن‏سینا، ج دوم سال 1332

5- LA CIVILIZATION DELASAR DAIGNE

6-الیاده، میرچاه. رساله‏ای در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، انتشارات سروش، تهران 1368، ج دوم.

7- اسرار سه اقیانوس، الکساندر کوندراتوف، ترجمه دکتر عبدالکریم قریب، نشر آفتاب 1362، ج اول.

8- درآمدی کوتاه بر باستان‏شناسی. گوردن چایلد، ترجمه هایده معیری، انتشارات مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج اول، سال 1368 تهران.

9- لینتون، دالف. سیر تمدن، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات علمی فرهنگی، چ سوم سال 1378

10- چایلد، گوردن. درآمدی کوتاه بر باستان‏شناسی، ترجمه هایده معیری، انتشارات موءسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چ اول تهران 1368.

11- دکتر کشی افشار (حسین). اسرار ساختمانی هرم بزرگ گیز، انتشارات دانشگاه تهران، آبان 1373 چ اول.

12- تاریخ جهانی، ترجمه دکتر احمد بهمنش، ج 1 ص 13-12.